



بازخوانی بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کشاورزان:



مواظب باشید کشاورزی تحقیر نشود کشاورزی بسیار حایز اهمیت و دارای عزت است

را متزلزل کردند، برای این که ما را وابسته کنند؛ برای این که بازار برای گندم خودشان و بقیه‌ی محصولات کشاورزی دیگران -بیگانگان- درست کنند. با این افزایش جمعیت -امروز کشورمان بیش از دو برابر اول انقلاب جمعیت دارد- اگر بنا بود ما مثل آن روز آنها از نظر گندم محتاج بیگانگان باشیم، برای هر تن گندمی که به ما می دادند، یک منت سنگین، یک بار سنگین تحقیر بر روی دوش این ملت سوار می شد؛ هر وقت هم که مایل بودند، می توانستند این را قطع کنند؛ اما ملت ما در گندم به خودکفایی رسید. عین همین قضیه باید در بقیه‌ی محصولات مهم و اساسی غذایی به وجود بیاید؛ در برنج، در روغن، در گوشت، در لبنیات، که نیازهای کشور است. باید کشور به دیگران اصلاً محتاج نباشد و مردم کشور بدانند که شما قشر کشاورز و دامدار با غیرت خود، با ایمان خود، با همت خود، غذای آنها را تأمین می کنید و مردم محتاج این نیستند که از دیگران درخواست کنند؛ هم پول بدهند، هم منت بکشند، هم دایم ته دلشان نگران باشد که اگر یک مشکلی به خاطر یک مسأله‌ی سیاسی و غیره پیش آوردند، چه کنیم. کشاورز ایرانی برای ملت ایران امنیت غذایی را تأمین می کند؛ این، افتخار بزرگی است؛ قدر خودتان را بدانید. من این را عرض می کنم برای این که در سرتاسر کشور، جوانان مناطق کشاورزی که گاهی جاذبه‌ی مشاغل دیگر آنها را به خود جذب می کند، بدانند که ارزش و کرامت و تأثیر این شغل از اکثر مشاغل دیگر، در زندگی جمعی ملت‌شان، بالاتر است و جای گسترش هم دارد.

امروز دیگر آن روزی نیست که یک کشاورز در طول سی، چهل سال همیشه روی یک قسمت از زمین کار کند و یک مشت گندم به دست بیاورد؛ نخیر، امروز فنون جدید، دانش‌های جدید، تجربه‌های جدید وارد میدان شده‌اند. شما می بینید که بازده متوسط چهار تن گندم را یک انسان باهمت، به یازده، دوازده تن در هکتار می رساند؛ همین کار

حرف بنده به شما کشاورزان عزیز و به همه‌ی کشاورزان سراسر کشور این است که کاری که شما بر عهده گرفته‌اید، کار کوچکی نیست. همان کشاورزی که در یک نقطه‌ی دوردستی از کشور فرض کنیم بر روی یک یا پنج هکتار زمین مشغول کار است، به سهم خود یکی از پایه‌های اساسی حیات این کشور را بالا می‌برد، مواظب باشید کشاورزی تحقیر نشود؛ کشاورزی بسیار حایز اهمیت و دارای عزت است. ارزشی هم که در شرع مقدس اسلام شنیده‌اید که برای قشر کشاورز بیان شده است، ناشی از اهمیت این کار است. شما چه می کنید؟ شما با استفاده از نعمت خدادادی زمین و آب، گنجینه‌های الهی را - که در ذرات هست، در خاک هست، به وسیله‌ی نور خورشید و عوامل طبیعی این گنجینه‌ها بارور می شود - استخراج می کنید، تا انسان‌هایی که روی این زمین زندگی می کنند، زنده بمانند. اگر غذا نباشد، زندگی نیست؛ و شما غذای انسان‌ها را تأمین می کنید؛ لذا عظمت و ارزش این کار ارزش طبیعی و شبیه ارزش ذاتی است. امروز کشور ما - که مورد سوءنیت و کینه‌ورزی قلدروهای دنیاست؛ علت این کینه‌ورزی هم این است که این کشور حاضر نیست زیر بار قلدروی قلدروها برود- بیش از همیشه به امنیت غذایی احتیاج دارد، تا برای نانش، برای خوراک روزمره‌اش، برای روغنش، برای گوشتش محتاج کشورهای دیگر نباشد؛ محتاج کسانی که می توانند در مقابل این عطیه، شرف او را مطالبه کنند، نباشد؛ امنیت غذایی برای کشور ما خیلی مهم است. سال گذشته که اعلام شد کشور به خودکفایی در گندم رسیده است، به نظر من حقیقتاً یک عید بزرگ برای این کشور بود. بنده از کشاورزان، از مدیران بخش کشاورزی، از جوانان عالمی که در این کار کمک کردند، از اعماق دل متشکر شدم، مطمئناً ملت هم متشکر شد؛ این حادثه‌ی بزرگی بود. مردان و جوانانی همت کردند که این کار بشود، و شد. ما همان کشوری هستیم که در دوران طاغوت، پایه‌ی کشاورزی ما



طاغوت، گندم را از امریکا می خریدند و سیلو را روس‌ها برایشان می ساختند؛ آنها سیلو را هم نمی توانستند بسازند! باید روس‌ها می آمدند؛ این صنعت در ایران نبود. در سال‌های اول انقلاب، این جوانان جهاد دانشگاهی آمدند و گفتند امام دستور داده‌اند مردم گندم بکارند؛ خوب، گندم سیلو لازم دارد؛ **درِ خانه‌ی چه کسی برویم، جز درِ خانه‌ی همت و ابتکار خودمان**؛ شروع کردند.

افرادی می دیدند که این سیلو بالا می رود - البته در روز اول، با ظرفیت کم - اما باور نمی کردند و امروز کشور ما یکی از کشورهای مطرح از لحاظ سیلوسازی در دنیاست؛ به برکت همین جوان‌ها.

در هر بخشی از بخش‌های گوناگون صنعتی و فنی و علمی و تحقیقاتی که ما با روحیه‌ی جهادی وارد شدیم، پیش رفته‌ایم. **روحیه‌ی جهادی یعنی چه؟ یعنی اعتقاد به این که «ما می توانیم»؛ و کار بیوقفه و خستگی ناپذیر و استفاده از همه‌ی ظرفیت وجودی و ذهنی و اعتماد به جوان‌ها.** به نیروهای با استعداد، چه از جوان‌ها باشند و چه از انسان‌های با تجربه، اعتماد کنند. اعتماد به این افراد و توکل به خدای متعال و اخلاص نیت برای خدا، اساس کار است. جهاد کشاورزی باید در معنای حقیقی کلمه، برای مسائل کشاورزی کشور و دامداری و بقیه‌ی کارهایی که برعهده‌ی این وزارت است، جهادی عمل کند.

مسأله‌ی سوم این است که ما به کشاورزان می گوئیم تلاش کنید تا امنیت غذایی برای کشور به وجود بیایید؛ اما به مسؤولان‌مان می گوئیم این پایان کار نیست؛ ما بایستی به صادرکنندگان این محصولات تبدیل شویم؛ ما باید بتوانیم دیگران را بهره‌مند کنیم. این کار، کار دستگاه‌های گوناگون دولتی است که وسایلش را فراهم کنند؛ ما می توانیم.

بر روی دانه‌های روغنی و کُزلا یا زیتون هم کار شود. یکی از کارهای خوب این دولت این است که می خواهند زیتون را هر چه بیش از پیش ترویج کنند؛ وارد سبد غذایی مردم کنند، که جزو کارهای بسیار خوب است. البته کشور بایستی حتماً در برنج و گوشت و لبنیات هم به خودکفایی برسد؛ این جزو کارهایی است که مسؤولان دولتی باید بکنند.

بخش آموزش کشاورزی و ترویج و استفاده از دانش موجود دنیا در دانشگاه‌های ما و فرستادن جوان‌ها برای کمک به روستایها، جزو کارهای بسیار مهم است. البته به همه‌ی روستاییان و همه‌ی کشاورزان و کسانی که دست‌اندرکار کشاورزی اند، توصیه می شود که از این جوانان مطلع و خبره در کار کشاورزی استقبال کنند. بنده در بعضی از روستاها از نزدیک ملاحظه کردم که جوان‌های خبره و دانش‌آموخته‌ی کشاورزی، یک نفرشان بیکار نمانده بود. همه در مزارع مشغول کار شده بودند و نتیجه این شده بود که آن بخش از لحاظ محصول کشاورزی، رشد فوق‌العاده‌ی کرد، که در بیانات این عزیزان هم این مسأله را شنیدید، باید از شیوه‌های علمی استفاده کرد.

بخشی از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کشاورزان، ۱۳۸۴/۱۰/۱۴

در برنج، در زیتون و در کُزلا هم شده است. دیگر این‌طور نیست که منطقه، منطقه‌ی محدودی باشد. جوان‌ها وارد بشوند، آموزش‌های لازم را بگیرند؛ آنهایی که می توانند، تحصیلات لازم را در زمینه‌ی خاک، آب و مسائل گوناگون کشاورزی ببینند، بعد، به جان این سرزمین پُربرکت بیفتند و برکات الهی را از آن استخراج کنند؛ این کار ممکن است.

دستگاه‌های دیگر هم البته باید کمک کنند. این، مطلبی بود که می خواستم به شما کشاورزها بگویم. کارتان بزرگ و مهم است؛ مهم در ابعاد ملی. اگر درست نگاه کنیم، با اهمیت نظام جمهوری اسلامی و این پرچم پرافراشته‌ی اسلام در این سرزمین، کار شما در ابعاد بین‌المللی مهم است. این کار را قدر بدانید و خدا را شکر کنید بر این که یک چنین توفیقی به شما ارزانی داشته است؛ روز به روز در این کار پیش بروید و جوان‌ها، حداقل جوان‌های همان خانواده‌ها و جوان‌های دیگری که در این رشته تحصیل کرده و علاقه و شوق دارند، به خیل انبوه کشاورزان ما ملحق بشوند.

مسؤولان با این نگاه، با نگاه «حایز اهمیت»، باید به بخش کشاورزی نگاه کنند. **بخش کشاورزی یک محور اصلی در اداره‌ی کشور است؛ و باید با این چشم در تنظیم معلومات دانشگاهی، در تخصیص بودجه، در گماشتن افراد کارآمد و توانا در رأس کارها، به آن نگاه کرد؛ باید امر کشاورزی را در کشور سبک نشمرند.** البته صنعت هم مهم است و وقتی ما روی کشاورزی تکیه می کنیم، صنعت را نفی نمی کنیم؛ آن هم یک محور اساسی دیگری برای پیشرفت کشور است؛ اما جاذبه‌های گوناگون و زرق و برق و نام و نشان بخش‌های دیگر، مبادا اهمیت این بخش بسیار مهم را تحت‌الشعاع قرار بدهد؛ شریان اصلی زندگی جامعه، در این بخش است و زندگی واقعی و ملموس جامعه - حیات اجتماعی - در این بخش، بیشتر معنا پیدا می کند؛ چون این‌جا مسأله‌ی غذا و مسأله‌ی امنیت غذایی و مسأله‌ی استقلال ناشی از امنیت غذایی و خودکفایی مطرح است؛ این نکته‌ی اول، که مسؤولان با این چشم به مسأله‌ی کشاورزی نگاه کنند. این نگاه - همان‌طور که گفتیم - در دانشگاه، در بخش‌های دانشگاهی مربوط به کشاورزی، در تنظیم درس‌ها، در گرفتن دانشجو، در پرداختن به استاد، اثر می گذارد، تا بقیه‌ی خدمات گوناگونی که دولت می تواند به کشاورزان بدهد؛ مانند آنچه که مربوط به بانک هاست، آنچه که مربوط به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی است، آنچه که مربوط به خود وزارت جهاد کشاورزی است.

نکته‌ی دوم برای مسؤولان این است که در کار کشاورزی، همین‌طور که اسم شما جهاد کشاورزی است، **جهادی حرکت کنید.** ما از اول انقلاب، هر کار بزرگی که توانسته‌ایم انجام بدهیم، به برکت اعتماد به نفس و بلندپروازی و کار جهادی بوده است. جوانان جهاد سازندگی آن روزی کارهای بزرگ را در این کشور شروع کردند که حتی آن کسانی که جلوی چشم‌شان این کارهای بزرگ انجام می گرفت، باور نمی کردند که جوان ایرانی قادر به این کارهاست. در دوران رژیم